

مطبوعات

رادیو

سینما

اعلان

از: هاشمی حائری

این اندیشه متفکران و محققان قرن نوزدهم بود که: عوامل وراثت محیط طبیعی، تربیت خانوادگی، مدرسه، مجموعاً «آدم میسازد» آنوقت بین فوٹ وضع هر یک از عوامل مذکور در تکوین شخصیت و اخلاق آدمی که بآن ترتیب ساخته و پدیدار شده میشود، اختلاف داشتند. نظرهایی دیگر هم از لحاظ روانشناسی وجود داشت، از قبیل آنکه مثلاً «ویدر» در قرن ۱۸ میگفت: «اطفال همه جانی هستند» و در توضیح آن گفته بود: «اطفال استعداد ارتکاب جنایت از نظر جسمی ندارند و گرنه زندگی جهنم بود» یا اینکه «لمبرزو» معتقد بوجود جنایتکاران بالفطره بود، «فروید» در پیچه دیگری را کشود و بنام کوشی را در شعور باطن گذاشت. عده کثیری از روانشناسان هنوز هم دنباله افکار «فروید» میروند.

اینها عقاید و نظریاتی بود که درباره تکوین شخصیت و اخلاق انسان، البته انسان متمدن، ابراز میشد و افکار عده زیادی و مخصوصاً اخلاقیون (مورالیستها) را در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بخود مشغول کرده بود، حالا وضع جور دیگر شده است. نه اینکه عوامل مذکور از بین رفته باشد، نه، آنها بجای خود باقی است ولی آنچه پیدا شده، عوامل مزبور را تحت سیطره خود قرار داده است و بدلخواه خود در آنها فعل و انفعالات بوجود میآورد، و دنیای عجیبی ساخته شده است!!

عوامل چهار گانه

اکنون و در عصر ما چهار عامل مهم و مؤثر پدید گردیده است که در تکوین اخلاق و شخصیت و افکار و احساسات افراد مردم، در ملتها و اقوام مختلف و مخصوصاً اقوام متمدن و یا با اصطلاح امروزی «در حال توسعه» نقش که بازی میکنند بجای خود، اصلاً حکومت میکنند. روز بروز نفوذ عوامل مزبور و سلطه آنها در زندگی ملتها محسوستر و اثرات استیلای آنها نافذتر و دامنه دارتر میشود، بطوریکه بشکل نیروی عظیمی در آمده است که بهر طرف، بچرخیم آثار نفوذ و استیلای آنها را در زندگی خود، احساس میکنیم.

این عوامل بترتیب عبارتند از:

- ۱ - مطبوعات، مخصوصاً روزنامه‌های یومیه و مجلات مسور هفتگی و ماهانه.
- ۲ - رادیو، که رادیو تلویزیون هم مثل دنباله ستاره‌های دنباله‌دار، دنباله آن محسوب میشود.





۳ - سینما و چهارم «اعلانات» !

در زندگی جدید ما «اعلانات» تازه نفوذ کرده است ولی سرعت با اصطلاح برق دایره نفوذ و قلمرو حکومت آن بر افکار و احساسات عامه توسعه پیدا میکند ... طلاب علوم قدیمه در حواشی کتاب درسی منطق درباره «اجنه» و یا «جن» این تعریف را مطالعه میکردند که :

«الجن موجود بتشکل باشکال المختلفه حتی الکلک و الخنزیر !» این تعریف را نویسنده در باره «اعلانات تجاری» درست میدانم که :

«بتشکل باشکال المختلفه... الی آخر»...

از شوخی گذشته برویم سر مطلب . ما هر روز صبح ، عصر ، شبانگاه ، هنگام صرف صبحانه ، ناهار ، عصرانه ، شام شب ، شب نشینی ، مجالس شب چره و حتی احياناً در رؤیاهای خواب های که میبینیم ، و موقع گردش و حرکت در خیابانها ، گردشگاهها و خلاصه بهر طرف که چشم بیندازیم یا طبله کوش و سامعه مایارای ضبط اصوات را داشته باشد ، آثار وجودی يك و یا چند و یا مجموع عوامل چهارگانه مزبور را در حیات روزگاز خود مشاهده میکنیم و از راه چشم و گوش مندرجات و مناظر آنها در دماغ و روح ما تأثیر مینماید ، وجه بسا شهوات و رغبات و هوسهای خوب و بد و بیشتر هوسهای بد را با تلقینات و وسوسه های خود در ما بر میانگیزانند ، و چون بماحصل آن بیندیشیم میبینیم عوامل مذکور ، چیزی قابل که کمک برشد و بلوغ انسانی و شخصیت و اخلاق بنماید ، نکرده ولی در عوض چنانکه عادت موش جویدن است ، جیب و کیسه و در آمد ما را بیرحمانه میچوند و میربایند !

۱ - مطبوعات :

در این مورد ، توجه محققین و روانشناسان جدید ، مخصوصاً بجرايد بومیه و مجلات هفتگی و مسور و بعد هم نشریات مشابه آنهاست . روزنامه یا مجله در اصل برای ارشاد و پرورش افکار و کمک با افزایش معرفت عمومی و خلاصه یاری برشد و کمال انسانی بوجود آمده است . این نظر تحقیقی تازه کی ندارد ، چنانکه خیلی چیزها در اصل و اساس برای الخیر و سعادت بشر اختراع و یا کشف شده است .

در آورده آنچه که موضوع را بصورت پدید آمده تازه ای در مجتمعات بشری و مخصوصاً محیطهای متضدن منحرف گردیده است که اکنون نه تنها مانع رشد و کمال و مزید معرفت انسان شده است ، بلکه وسیله تذق و انحطاط اخلاقی و در بعضی از محیطها اسباب اختناق فکر و احساسات گردیده است . پایبندی که در محیطهای مزبور بصورت کوبنده هر روز بخوانندگان تلقین مینماید که جز آنچه صاحب جریده و عامل اصلی نشر آن فکر میکند ، فکر نکنند !

اخبار مربوط به قتل ، جنایت ، سرقت ، غرق کشتیها ، تصادم قطارها ، سقوط هواپیماها و اخبار قتلها و کشتارهای دسته جمعی که معمولاً «جذک» گفته میشود ، و خبرهای مربوط به سحر و جادو و طلسم ، افسانه ها و قصه هائی از این قبیل و داستانهای با اصطلاح شورانگیز عشقی که هر سطر آن محرك غریزه جنسی و فروزنده آتش شهوت است ، و امثال این چیزها ، در جزء اخبار درجه اول است که همه را با عناوین درشت و بصورت جالب توجه و تحریک آمیز در صفحات اولیه جراید میگذارند .

مثلاً در دسر خانم الیزابت تایلور و صداع مشارالیهها اخبارش ساعت بساعت روی امواج بیسیم و رادیوها بسمع عالمیان میرسد ، که خانم هنرپیشه که قرار است در فیلم «یک زن روسی مسری» «کلثوپاتره» بازی کند آیا شب را خوب خوابیده اند یا نه ؟

یا مدت ها روزنامه ها درباره تأخیر اهدام «چسمان» نام جنایتکار امریکائی بانواع و اقسام کاغذ نازنین سفید را سیاه میکردند و از مشتریان «پول» میگرفتند . یا «کلارک کیبل» سلطان هالیوود تشییع جنازه اش مثل يك فیلد مارشال صورت گرفت .

در این دنیا صدها دانشمند بزرگوار و متفکر عالیقدر از درد و بیماری رنج می کشند ، دربان آپارتمان مسکونی آنان عیادتشان هم نمیکند .

آیا درمرك «اینشتین» نیز همین احترامات که برای تشییع جنازه «کلارک کیپل» سلطان عالیپود بعمل آمده انجام شد !!:

خبرزائیده شدن يك كوساله فرساً «سه شاخ!» در نظر مدیر و سردبیر روزنامه بمراتب جالبتر از هزارها «انسان مادینه» و زنان باردار است که: «نشینند و زایند شیران نر!» زیرا که زائیده شدن يك كوساله «سه شاخ» آخر بیشتر پول درمیآورد تا خبر زایمان طبیعی انسانها!! البته جراید مطالب و اخبار خوب و مفید هم دارند. ولی غالباً آن مطالب در صفحات لائی و از نظر خوانندگان مخصوصاً کم وقت و بیحوصله «کم و کوراست!» و لاجرم بیشتر همان اخبار و مطالب که گفتیم در ذهن و فکر و روح و احساسات، مانند زهری که خرده خرده بخورد خریداران داده شود، یا مانند تریاک و مورفین و هروئین، خوانندگان را معتاد کرده، آنوقت هرگاه غیر از آنچه گفته شد نشردهند بازارشان کساد میشود!

باین ترتیب بنظر محققین و روانشناسان چنین رسیده است که این عامل از وظیفه اساسی که داشته منحرف گردیده است و بجای آنکه مفید بوده باشد مضر واقع شده است. در ممالک کمونیستی وضع بدتر است نه از باب نشر این جور اخبار بلکه از باب اختناق آزادی و فکر کشی و روح کشی که مورد بحث نگارنده نیست.

۴ - رادیو

در اینجا رادیو دولتی است، و من شخصاً اطلاع دارم که چقدر سعی و اهتمام میشود که این وسیله برای پرورش افکار و کمک بر رشد و بلوغ و مزید معرفت عامه، بکار برود و خدمت کند ولیکن همه جای دنیا اینطور نیست.

در آنجاها رادیو را برای مقاصد سیاسی و نظامی و مطامع تجاری و اقتصادی بکار برده و در لابلای امواج آن نیز گاهی چند کلمه هم از مقولات دیگری که مفید است بخش میکنند. همین وسیله هم از طرف سوداگران، چه مطبوعات و چه سینما و چه بنکاهای تجاری و سوداگری برای «اعلان» مورد استفاده قرار میگیرد و حضرات از طریق آن، متاع خود را برای «فروش بیشتر» اعلان میکنند.

۳ - سینما

بسیاری از اخلاقیون و هواخواهان جدی «امر ب معروف» و «نهی از منکر» چه مسلمان و چه غیر مسلمان در ایران خیال میکنند، فیلمهای سینمایی خلاف عفت عمومی که در سینماها نمایش داده میشود، و داد و فریادشان بلند است که چرا جلوگیری نمیشود فقط مخصوص ایران ساخته شده است و علیرغم طرفداران اخلاق و فضائل مربوط با اصول آن، نمایش داده میشود. در صورتی که قضیه مبتلا به تمام کشورها، بویژه کشورهای آزاد است که رژیم دمکراسی دارند، و این جور شکوهها و نالهها بر مزار «عفت عمومی» و «عصمت و احتشام اجتماعی» و زاری و توبه آمرین ب معروف و ناهیان از منکر، در کشورهای مزبور عمومیت دارد!

درواقع صنعت «سینما توگراف» در دنیای متمدن و نیمه متمدن که این صنعت با آنجاها نیز نفوذ کرده است، مثل سایر صنایع و روش صاحبان آنها، محصول بیرون میدهد و «محصول بیشتر» برای فروش بیشتر» اساس برنامه کار آنهاست و برای فروش بیشتر و نتیجهی عالی آن که «در آوردن پول بیشتر» است، از تمام وسائل و اسباب که ممکن است جلب توجه خریداران نماید و هوس آنها را برانگیزاند استفاده میکنند. کسانی که جزء مشتریان دائمی تالارهای سینماها میباشند بخوبی میدانند این اسباب و وسائل جالب توجه و هوس انگیز چه جور چیزهایی است. چیزی است که تفاوت این محصول بیشتر برای فروش بیشتر و نتیجتاً تحصیل پول بیشتر مثلاً فرساً «بیسکویت» یا «آدامس» و «ماهی ساردین» نیست که هرگاه احیاناً افراط در مصرف آنها شود اختلالی در معده بوجود آورد، بلکه این محصول با وسائل جالب توجه و هوس انگیز اختلال در مغز و دماغ و مشاعر و احساسات و عواطف مشتریان، بخصوص جوانان و خردسالان بوجود میآورد و چون بوجود آورد، مصیبتزا میشود!

راست است «صنعت سینما توگراف» از جمله پدیدههای شگرف علمی و فنی دنیای جدید میباشد، ولی غالباً فراموش میکنیم که علموفن ضرورتاً برای خیر و سعادت بشر نمیشود، یعنی خودش همینقدر که وجود پیدا کرد جالب خیر و سعادت نخواهد بود بلکه چون بکار بردن و استفاده از آنهاست که آنرا یا اسباب خیر و سعادت مینماید یا وسیله نکبت و ادبار و تیره بختی انسان!!



بعقیده من افکار و آراء یعنی اندیشه های مولود از عقول سالم و دماغهای بزرگ هم تابع همین فاعده است ، چنانچه خوب بکار برده شود ، اسباب رفاه و آسایش و سعادت است و هر گاه مورد سوء استفاده و سوء تفسیر و تعبیر قرار بگیرد اسباب بدبختی میشود .
صنعت سینما توکراف هم چنین است ، در آغاز بمنظور اولا تعلیمات اخلاقی از راه چند نایب تفریح و سرگرمی و راحتی اعصاب از خستگیهای ملالت بارزندگی روزانه ورنجهای آن بازار آمد ، اما اینقدر که اثرات نافذ آن در عقول و نفوس و عواطف مردم درك شد ، براه تجارت و سوداگری افتاد !!

۴ - اعلانات :

اعلانات نقش هر سه را بازی میکند و از وجود هر سه عامل استفاده می نماید ، و برنده ترین نافذ ترین حربه و وسیله برای : «فروش بیشتر و تحصیل پول بیشتر» است . در تمام اعلانات تجاری و اقتصادی اشخاص مطلع و کتاب خوان همه جا قیافه «آدم اسمیت» فیلسوف و اقتصاد دان نیمه دوم قرن نوزدهم را با سیمای متفکرو اندیشناك اومی ببینند . او که فلسفه «نفعی» یا «سود شخصی» یا «تجارت آزاد» را وضع کرد ، بظن غالب مقسودش توزیع ثروت و سرمایه و درك دایره وسیع برای بهره مندی عموم و بالنتیجه خوشبختی و شاد کامی مردم آزاد بود ، مقارن همان زمان جناب داروین پیدا شد . این فیلسوف طبیعی دان که در اصل و منشأ «افواع» تحقیقات کرده بود ، با این نتیجه رسیده بود که نوع اصلی و یا انب، قابلیت بقاء دارد . فی الحقیقه و وفق «قانون جنک» نظریه مزبور درست است ، اما انسان متمدد غیر از جنکهاست و نتیجهی مسیبت باری که این نظریه و بخلاف مقسود واضح آن ، بوجود آورد این بود که کسانی که دنبال نفع و سود شخصی بودند ، نظریه داروین را تطبیق با مقاصد سود جویانه خود کردند ، آنوقت هر کسی که از بیرحمی آنها در بازار کانی و رشکست گردید ، او را «انب برای بقاء» ندانسته و سلبه قابلیت زیست و زندگی نداشت و سپس برای آنکه «قابلیت بقاء» در اقتصاد و تجارت پستیا شود ، کمپانیهای بزرگ درست کردند ، کمپانیها بنوبه باهم اتحاد کرده «تر است» بوجود آوردند ، و باز همین برنامه و هدف موجب گردید که مردم را بیشتر جلب کنند و بیشتر پول در آورند و به وسیله «اعلان» و تبلیغ بفعالیت پرداختند بطوریکه امروز «اعلان» از لحاظ امور تجاری و اقتصادی از ارکان عمده و مهم تجارت شده است ، و هیچ تجارتخانه و بنگاه معتبر اقتصادی نمیتواند بی نیاز از وجود «اعلان» باشد . اعلان تجاری و اقتصادی در روزنامه ها و مجلات و در رادیو و تلویزیون و برنامه های سینما ، دائر روی افکار ، تخیلات ، احساسات و هوسهای عامه مردم بطور کوبنده حکومت می کند و نقش و نگارهای فریبنده آن دائم مقدار زیادی از درآمدهای مردم را در راه اشیاء غیر ضروری زندگی منتقل بخزانة فروشندگان اصلی و تولید کنندگان آن اشیاء میکند . این عامل ذی نفوذ هم در زندگی اجتماعی ما رخنه کرده بطوریکه امروز يك دلال اعلان یا کمال بی سوادی از فاضلترین و دانشمندترین افراد مملکت توانگرتر و لاجرم مرفه تر زندگی میکند ، و بریش هر چه فاضل و دانشمند و آمر بمعروف و ناهی از منکر است می خندد !

نتیجه :

در نتیجه باید گفت که این عوامل فوایدی هم داشته و دارد ، بعبارت دیگر هنوز سایه روشنی از آن هدفهای مقدس و اصولی که موجب پدید آمدن مثلا روزنامه پارادیو یا سینما گردیده است ، بر سطح وضع موجود آنها دیده میشود ، ولی از بخت بد ، حمله و هجوم «سود جوی» بازار ادب و دانش چنان پرفوت است که بسی مایه و نیرو لازم است تا مگر تعادلی برقرار سازد و نباید اشتباه کرد که این امر ، موضوعی است که کشورهای متمدد و مترقی که کارهای بزرگ و مفید آنها مورد اقتباس و تقلید ماست ، مبتلا بآن میباشند و موجب يك بحران فکری برای متفکران و خردمندان کشورهای مزبور شده است که آیا بچه ترتیب و چگونه میتوان از سقوط و حشتناك اخلاقی و تنایب و خیم آن جلوگیری کرد و عوامل مزبور را در راه رشد و کمال بلوغ ملتها بکار برد و خلاصه از اینجور عوامل «آدم» ساخت و نه قاتل و جنگجو و بیرحم و سودجو !!



و با این صحنه ها است که افکار را «تهدیب» می کنند !